

در نظیر خیال خاییده که از هر هفتی هفتان است ای خدایا
روشنای کس بود این خلق بصورت آب و گل بجزین صافی در است
غریبانه از حالت تعبیر مستقیم تا آنجا که بی که
خصیصیت و کمال مستوره است تا آنکه شرفی زینت
و دلچسپان در انفعال و در شرف لطف چون لیل و لایزال
رضان لمبسته در درجه در ان از آن عزت است
توبه قرب و وصال که حضرت ایشان را خاطر از صفای صورتی و مزاجت
سزاوار است خدمت قدس الهی و کمالین و اسامه الکبیر و این چنین
تغالی و حکمتی و الدالی الی نوار الی حیدر الله والی بن الکاظمی
و بن علی و جعفر و محمد و ادریس و زین العابدین و جعفر و محمد و ادریس
مشق تدرار و کلام و کمال در این شوق قدسی الی لیل از دور سر
بر کمال کمال این قضای و دل در کمال و کمال و کمال و کمال و کمال
تو درین کمال چنان که کمال کمال کمال کمال کمال کمال
دلت با جان و کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال کمال
کرم و بی نهایت خود نیاند و در ماند و پای از کمال کمال کل بر و
عادت و بیستاد است و سید و کمال کمال کمال کمال کمال کمال
شما و چو این است ای شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی

که در این شهر کشت از کوه و عیش و شادی کمال و شرفی و شرفی و شرفی
باین شوق خود اول از خود در است ای خدایا
و نیست نماید شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
بیشتری روی در قضای و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
از دل بر آید عیش و شادی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
که شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی که بر است شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
چون در شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
ان شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی
شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی و شرفی

King Saud University

۲۸۷

Copyrighted King Saud University